

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Family Solidity in Islamic Jurisprudence and Law: A Fundamental Principle or a Strategic Rule?

Nadali Zekavatmand¹, Siamak Baharloo^{2*}, Hosein Ali Amini³

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Na.C, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Fundamentals, Is.C, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

3. Department of Theology and Islamic Studies, Na.C, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

* Corresponding Author's Email: Siamak.baharluee@ase.ui.ac.ir

ABSTRACT

The family, as the most fundamental social institution, plays a central role in maintaining order, morality, and social cohesion. In Islamic jurisprudence and legal systems, the solidity of the family is not only an ultimate goal but also the basis for many legal and religious rulings. This article aims to answer a key question: Is family solidity in the Islamic legal framework a "fundamental principle" upon which all other rules and rulings must be based, or is it a "strategic rule" that can be applied flexibly depending on temporal and societal circumstances? Using a descriptive-analytical methodology, the study first examines the theoretical concepts and definitions of family solidity within Islamic jurisprudence and Iranian law. Drawing on primary sources such as the Qur'an, Hadiths, and classical Shi'a jurisprudential texts, the research explores the doctrinal foundations of family stability. Additionally, Iranian civil law, particularly the Family Protection Law of 2012, is analyzed to assess its effectiveness and the challenges faced in implementing measures for family support. The findings suggest that family solidity constitutes both a fundamental and a strategic legal notion: while it holds an immutable position in Islamic legal theory, it also provides a flexible foundation adaptable to evolving societal contexts. This dual character enables dynamic *ijtihad* (juridical reasoning) and legislative innovation and can serve as a robust framework for cultural, economic, and legal policymaking aimed at strengthening the institution of the family.

Keywords: Family Solidity, Islamic Jurisprudence, Family Law, Fundamental Principle, Strategic Rule

How to cite: Zekavatmand, N., Baharloo, S., & Amini, H. A. (2024). Family Solidity in Islamic Jurisprudence and Law: A Fundamental Principle or a Strategic Rule?. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 2(2), 51-66.



تاریخ ارسال: ۶ اردیبهشت ۱۴۰۳
 تاریخ بازنگری: ۲۸ تیر ۱۴۰۳
 تاریخ پذیرش: ۶ مرداد ۱۴۰۳
 تاریخ چاپ: ۲۵ شهریور ۱۴۰۳

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

استحکام خانواده در فقه و حقوق؛ اصل بنیادین یا قاعده راهبردی؟

نادعلی ذکاوتمند^۱، سیامک بهارلویی^۲، حسینعلی امینی^۳

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. گروه فقه و مبانی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۳. گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: Siamak.baharluee@ase.ui.ac.ir

چکیده

خانواده به عنوان بنیادی ترین نهاد اجتماعی، نقش محوری در حفظ نظم، اخلاق و ثبات جامعه دارد. در نظام فقهی و حقوقی اسلام، استحکام خانواده نه تنها یک هدف غایی، بلکه مبنای بسیاری از احکام شرعی و قوانین حقوقی تلقی می شود. این مقاله در پی آن است که با رویکردی توصیفی-تحلیلی، به این پرسش پاسخ دهد که آیا استحکام خانواده در نظام اسلامی یک «اصل بنیادین» است که تمامی قواعد و احکام باید در پرتو آن تنظیم گردند، یا یک «قاعده راهبردی» است که بسته به شرایط زمان و مکان قابلیت اعمال دارد. به منظور پاسخ به این مسئله، ابتدا مفاهیم نظری و تعاریف فقهی و حقوقی مرتبط با استحکام خانواده مورد بررسی قرار گرفته و سپس با استفاده از منابع اسلامی شامل آیات قرآن، روایات معصومین و منابع معتبر فقهی، جایگاه این مفهوم تحلیل شده است. همچنین قوانین مدنی و حمایتی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه قانون حمایت خانواده، در راستای تحکیم خانواده واکاوی گردیده و چالش های موجود در اجرای این قوانین از منظر فقهی و حقوقی مورد نقد قرار گرفته است. نتایج تحلیل ها نشان می دهد که استحکام خانواده ترکیبی از یک اصل بنیادین و یک قاعده راهبردی است که ضمن داشتن مبنای ثابت در فقه اسلامی، قابلیت انطباق با تحولات اجتماعی و اقتضائات زمانی را نیز دارد. این دوگانگی در ماهیت، زمینه ای برای انعطاف در قانون گذاری و اجتهاد پویا فراهم کرده و می تواند به عنوان الگویی کارآمد در سیاست گذاری های فرهنگی، اقتصادی و حقوقی مورد بهره برداری قرار گیرد.

کلیدواژگان: استحکام خانواده، فقه اسلامی، حقوق خانواده، اصل بنیادین، قاعده راهبردی

نحوه استناددهی: ذکاوتمند، نادعلی، بهارلویی، سیامک و امینی، حسینعلی. (۱۴۰۳). استحکام خانواده در فقه و حقوق؛ اصل بنیادین یا قاعده راهبردی؟. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۲(۲)، ۵۱-۶۶.

مقدمه

خانواده به عنوان کوچک‌ترین و درعین حال بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقش بسزایی در شکل‌گیری و پایداری جوامع انسانی دارد. استحکام خانواده نه تنها تضمین‌کننده سلامت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعه است، بلکه در نظام فقهی و حقوقی اسلام نیز جایگاهی کلیدی دارد. آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام)، خانواده را بنیانی مستحکم معرفی کرده‌اند که روابط میان اعضای آن باید بر اساس مودت، رحمت و عدالت تنظیم شود (Ansarian, 2012). از سوی دیگر، نظام حقوقی ایران که مبتنی بر فقه اسلامی است، در قوانین مدنی و اسناد بالادستی خود، اصول متعددی را برای حمایت از استحکام خانواده تدوین کرده است. باین حال، با توجه به چالش‌های اجتماعی نوظهور از جمله افزایش نرخ طلاق، تغییر در نقش‌های جنسیتی، و تأثیرپذیری از فرهنگ‌های غیراصیل، بررسی مبانی فقهی و حقوقی استحکام خانواده بیش از پیش اهمیت یافته است (Mohammadgholiha et al., 2016).

یکی از مسائل اساسی در حوزه فقه و حقوق خانواده، جایگاه استحکام خانواده در نظام قانون‌گذاری و استنباط احکام است. این پرسش مطرح می‌شود که آیا استحکام خانواده به عنوان یک اصل بنیادین در فقه و حقوق اسلامی شناخته می‌شود که تمامی احکام و قوانین باید بر پایه آن تنظیم شوند، یا اینکه تنها یک قاعده راهبردی است که در موارد خاص و بر اساس مصالح اجتماعی مورد استناد قرار می‌گیرد؟ پاسخ به این پرسش نه تنها در فهم صحیح جایگاه خانواده در نظام حقوقی اسلام تأثیرگذار است، بلکه می‌تواند در تدوین سیاست‌های قانونی و قضایی نیز نقش بسزایی داشته باشد (Safaei, 2023).

این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای و اسنادی انجام شده است. در این راستا، منابع اصلی فقهی شامل آیات قرآن، روایات معصومین (علیهم‌السلام)، منابع

فقهی معتبر شیعه، و قوانین حقوقی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. ابتدا، مفاهیم نظری مرتبط با استحکام خانواده تبیین شده و سپس، تحلیل تطبیقی جایگاه این مفهوم در نظام فقهی و حقوقی ارائه شده است. در ادامه، چالش‌های اجرایی مرتبط با اصل یا قاعده بودن استحکام خانواده بررسی شده و در نهایت، راهکارهای فقهی، حقوقی و فرهنگی برای تقویت این نهاد ارائه می‌شود (Youri & Yaghouti, 2024).

تبیین جایگاه خانواده در نظام حقوقی و فقهی

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، همواره در نظام‌های حقوقی و فقهی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است. در آموزه‌های اسلامی، خانواده نه تنها به عنوان کانون پرورش نسل و حفظ ارزش‌های دینی و اخلاقی شناخته می‌شود، بلکه یکی از ارکان اساسی جامعه اسلامی محسوب می‌گردد. قرآن کریم در آیاتی همچون:

"وَمِنْ آيَاتِهِ اَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ اَنْفُسِكُمْ اَزْوَاجًا لِّتَسْكُنُوا اِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً" (روم: ۲۱)

به وضوح بر اهمیت خانواده و استحکام روابط میان اعضای آن تأکید کرده است. در روایات اسلامی نیز، تشکیل و تقویت بنیان خانواده از جمله عبادات بزرگ شمرده شده است (Jawaheri, 1991).

در نظام حقوقی ایران که بر اساس فقه اسلامی تدوین شده است، قوانین متعددی در راستای حمایت از نهاد خانواده وضع شده‌اند. قانون مدنی ایران و قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱) از جمله مهم‌ترین منابع قانونی هستند که تلاش کرده‌اند ابعاد مختلف حقوق خانواده را تبیین و تقویت کنند. در این قوانین، اصولی همچون عدالت، حمایت از نهاد خانواده، تأمین حقوق و تکالیف متقابل زوجین، و حفظ مصالح فرزندان به عنوان محورهای کلیدی در نظر گرفته شده‌اند (Safaei, 2023). باین حال، چالش‌های نوظهور

بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش دارد این خلأ علمی را برطرف کرده و با بررسی مبانی فقهی و حقوقی استحکام خانواده، به این پرسش اساسی پاسخ دهد که آیا استحکام خانواده یک اصل بنیادین است که سایر قواعد فقهی و حقوقی باید بر مبنای آن تنظیم شوند، یا صرفاً یک قاعده راهبردی است که در شرایط خاص اعمال می‌شود؟

مبانی نظری و مفهومی استحکام خانواده

۱. مفهوم‌شناسی استحکام خانواده در نظام حقوقی و فقهی

واژه "استحکام" در لغت به معنای ثبات، پایداری و استوار بودن است. در حوزه خانواده، این مفهوم به مجموعه‌ای از عوامل حقوقی، فقهی، اخلاقی و اجتماعی اشاره دارد که موجب تقویت بنیان خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن می‌شود. از دیدگاه حقوقی، استحکام خانواده شامل ضمانت‌های قانونی و سیاست‌های حمایتی است که برای حفظ روابط خانوادگی، حل تعارضات و تأمین حقوق اعضای خانواده تدوین شده‌اند (Safaei, 2023). در فقه اسلامی، استحکام خانواده مبتنی بر اصولی همچون وفای به عهد، عدالت، مودت و رحمت است که در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته‌اند (Ansarian, 2012).

جدول ۱. مقایسه مفهوم استحکام خانواده در فقه و حقوق

ابعاد	فقه اسلامی	حقوق ایران
مبانی نظری	استحکام خانواده بر اساس آیات و روایات و قواعد فقهی تنظیم می‌شود.	قوانین مدنی و حمایت خانواده بر اساس اصول حقوقی تدوین شده‌اند.
ضمانت اجرا	احکام فقهی مانند وجوب نفقه، وفای به عهد و رعایت حقوق زوجین	مقررات قانونی مانند قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱) و قانون مدنی
هدف	حفظ بنیان خانواده به‌عنوان یک امر دینی و اخلاقی	تنظیم روابط خانوادگی بر مبنای عدالت و حمایت قانونی
روش اجرا	توصیه‌های اخلاقی و احکام فقهی الزام‌آور	قوانین مدنی، کیفری و حقوقی با ضمانت اجرایی مشخص

فقهی و اصول اسلامی است، درحالی‌که در نظام‌های حقوقی سکولار، مانند فرانسه و ایالات متحده، قوانین مبتنی بر آزادی‌های فردی، حمایت از حقوق برابر زن و مرد و کاهش مداخلات دولتی در روابط خانوادگی است (Mohammadgholiha et al., 2016).

اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایجاب می‌کند که جایگاه استحکام خانواده در فقه و حقوق با دقت بیشتری مورد تحلیل قرار گیرد.

پیشینه پژوهش

مطالعات متعددی در زمینه حقوق خانواده و مبانی فقهی آن انجام شده است، اما تحلیل جایگاه استحکام خانواده به‌عنوان یک اصل یا یک قاعده فقهی و حقوقی کمتر مورد توجه بوده است.

مطالعه محمدقلی‌ها و همکاران (۲۰۱۶) که به بررسی ظرفیت‌های حقوقی در تحکیم خانواده پرداخته است، اما تحلیل دقیقی از مبانی فقهی و جایگاه اصولی یا قاعده‌ای استحکام خانواده ارائه نکرده است (Mohammadgholiha et al., 2016).

پژوهش فرحزادی و ابراهیمی (۲۰۱۹) که استحکام خانواده را در فرآیند استنباط احکام فقهی بررسی کرده، اما ابعاد حقوقی و تأثیرات قانونی آن را کمتر مورد تحلیل قرار داده است (Farahzadi & Ebrahimi, 2019).

کتاب "حقوق زن و خانواده" نوشته حکمت‌نیا (۲۰۲۰) که به بررسی جایگاه زن در خانواده پرداخته، اما استحکام خانواده را به‌عنوان یک اصل یا قاعده مستقل مورد تحلیل قرار نداده است (Hekmatnia, 2020).

۲. بررسی تطبیقی مفهوم استحکام خانواده در نظام‌های حقوقی

داخلی و بین‌المللی

مفهوم استحکام خانواده در نظام‌های حقوقی مختلف دارای رویکردهای متفاوتی است. در نظام‌های حقوقی مبتنی بر شریعت، مانند ایران و عربستان سعودی، استحکام خانواده مبتنی بر احکام

جدول ۲. تطبیق مفهوم استحکام خانواده در ایران و نظام‌های بین‌المللی

ملاک مقایسه	ایران (مبتنی بر فقه اسلامی)	اروپا و آمریکا (حقوق سکولار)
مبنای حقوقی	قوانین مدنی بر اساس فقه اسلامی	قوانین مدنی مبتنی بر حقوق بشر
حقوق زوجین	تأکید بر نفقه، تمکین، عدالت و رعایت حقوق متقابل	تأکید بر استقلال مالی و برابری حقوقی
طلاق	فرآیند طلاق محدود و مشروط به موانع شرعی	طلاق توافقی و بدون محدودیت مذهبی
حضانة فرزندان	اولویت با مادر تا سن ۷ سالگی، سپس پدر	اولویت با منافع کودک بدون تقدم جنسیتی
حمایت از خانواده	تأکید بر نقش دین و ارزش‌های اسلامی	حمایت دولت از خانواده‌های تک‌والدینی

تحلیل فقهی استحکام خانواده؛ اصل یا قاعده؟

۱. استحکام خانواده در قرآن و روایات؛ تفسیر اصولی و روایی خانواده در تعالیم اسلامی جایگاهی ویژه دارد و در آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) به عنوان بنیانی مستحکم و محور اصلی جامعه معرفی شده است. قرآن کریم استحکام خانواده را بر پایه مودت، رحمت، عدالت و تعهد متقابل بنا نهاده و بر لزوم حفظ این نهاد تأکید کرده است. از جمله آیات مهم در این زمینه:

آیه ۲۱ سوره روم: "وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ" (روم: ۲۱).

تفسیر اصولی: این آیه تأکید دارد که مودت و رحمت به عنوان دو عامل اساسی، موجب استحکام پیوندهای خانوادگی می‌شوند (Makarem Shirazi, 2009).

آیه ۲۳۳ سوره بقره: "وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِ الرُّضَاعَةَ..." (بقره: ۲۳۳).

تفسیر فقهی: این آیه نشان‌دهنده مسئولیت والدین در قبال فرزندان است و بر ضرورت تأمین نیازهای عاطفی و مادی کودکان تأکید دارد. فقها از این آیه لزوم رعایت حقوق فرزندان و تأمین نفقه آنها را استنباط کرده‌اند که در نهایت، به استحکام بنیان خانواده کمک می‌کند (Hekmatnia, 2020).

روایات معصومین (علیهم‌السلام) نیز بر اهمیت استحکام خانواده تأکید دارند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:

"مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ التَّزْوِجِ" (Kulayni, 1986).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در نظام‌های مبتنی بر فقه اسلامی، استحکام خانواده با تأکید بر مسئولیت‌های زوجین و حمایت حقوقی شکل می‌گیرد، درحالی‌که در نظام‌های سکولار، حمایت قانونی از خانواده با تمرکز بر حقوق فردی و حمایت اجتماعی صورت می‌پذیرد (Youri & Yaghouti, 2024).

۳. جایگاه و اهمیت استحکام خانواده در آموزه‌های اسلامی

در تعالیم اسلامی، خانواده به عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی معرفی شده است. در قرآن کریم، استحکام خانواده بر پایه مودت، رحمت و عدالت استوار است: "وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً" (روم: ۲۱).

همچنین، روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نشان‌دهنده اهمیت حفظ بنیان خانواده هستند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند:

"مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ التَّزْوِجِ" (Kulayni, 1986).

فقها نیز استحکام خانواده را به عنوان یکی از اصول مهم در تنظیم روابط خانوادگی در نظر گرفته‌اند. قواعدی مانند "وفای به عقد"، "قاعده لاضرر"، و "قاعده عدالت" در فقه اسلامی برای تأمین ثبات در خانواده تدوین شده‌اند (Hekmatnia, 2020).

از سوی دیگر، قوانین موضوعه ایران نیز در راستای آموزه‌های اسلامی، تلاش کرده‌اند با وضع مقررات حمایتی، استحکام خانواده را تضمین کنند. به عنوان نمونه، قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱) برای حمایت از نهاد خانواده و کاهش آسیب‌های اجتماعی ناشی از فروپاشی خانواده تدوین شده است (Safaei, 2023).

سایر اعضای خانواده از جمله وظایف شرعی و قانونی محسوب می‌شود (Hekmatnia, 2020).

قاعده الزام (الناس مسلطون علی أموالهم و أنفسهم)

این قاعده بر حق افراد در تصمیم‌گیری درباره زندگی خانوادگی تأکید دارد، اما در عین حال، این حق نباید به نقض حقوق دیگر اعضای خانواده منجر شود. به‌عنوان مثال، حق طلاق برای مردان در چارچوب موازین شرعی و بدون ایجاد ضرر برای همسر قابل اعمال است (Safaei, 2023).

۳. بررسی دیدگاه فقها درباره جایگاه استحکام خانواده به‌عنوان یک اصل یا قاعده

در میان فقها، دو دیدگاه اصلی درباره استحکام خانواده وجود دارد: دیدگاه اول: استحکام خانواده به‌عنوان یک اصل بنیادین برخی از فقها معتقدند که استحکام خانواده یک اصل محوری در نظام فقهی اسلام است و تمامی احکام مربوط به ازدواج، طلاق، حقوق زوجین و فرزندان باید بر اساس آن تفسیر و تنظیم شوند. این دیدگاه بر اساس آیات قرآن، روایات و قواعد کلی فقهی شکل گرفته است (Makarem Shirazi, 2009).

دیدگاه دوم: استحکام خانواده به‌عنوان یک قاعده راهبردی در مقابل، برخی فقها بر این باورند که استحکام خانواده بیشتر به‌عنوان یک قاعده فقهی راهبردی در نظر گرفته می‌شود که بسته به شرایط اجتماعی و فرهنگی، ممکن است تغییراتی در نحوه اجرای آن اعمال گردد. این گروه معتقدند که قواعدی مانند لاضرر، عدالت و الزام می‌توانند در شرایط خاص، محدودیت‌هایی بر اصل استحکام خانواده ایجاد کنند (Jawaheri, 1991).

جدول ۳. مقایسه دیدگاه‌های فقهی درباره استحکام خانواده

دیدگاه فقها	استحکام خانواده به‌عنوان اصل	استحکام خانواده به‌عنوان قاعده
بنای فقهی	آیات قرآن، احادیث، اصول بنیادین اسلامی	قواعد فقهی مانند لاضرر، عدالت، الزام
حاکمیت در استنباط احکام	حاکم بر تمامی احکام ازدواج و طلاق	در برخی موارد، امکان استثنا وجود دارد
تأثیر در قانون‌گذاری	تنظیم تمامی قوانین خانواده بر اساس استحکام	قوانین خانواده تابع شرایط اجتماعی
نقش در سیاست‌گذاری‌های حقوقی	حمایت مطلق از خانواده	تنظیم خانواده بر اساس عدالت اجتماعی

تحلیل فقهی: این حدیث نشان می‌دهد که ازدواج، به‌عنوان پایه اصلی خانواده، یک امر مقدس و مورد تأکید شرع است که نقش کلیدی در استحکام جامعه دارد. فقها از این روایت، وجوب و استحباب ازدواج و حمایت از تشکیل خانواده را برداشت کرده‌اند (Safaei, 2023).

۲. تحلیل اصول و قواعد فقهی مرتبط با استحکام خانواده

در فقه اسلامی، استحکام خانواده به‌عنوان یک مفهوم بنیادین مورد توجه قرار گرفته و بر اساس چندین اصل و قاعده فقهی تنظیم شده است:

قاعده لاضرر (لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام)

این قاعده، که از حدیث پیامبر (ص) استخراج شده است، در حوزه خانواده به‌معنای ممنوعیت رفتارهای آسیب‌زا در روابط زوجین است. بر اساس این قاعده، هرگونه اقدام یا ترک فعلی که موجب ضرر و فروپاشی خانواده شود، از نظر شرعی مردود است (Jawaheri, 1991).

قاعده وفای به عقد (المؤمنون عند شروطهم)

این قاعده ایجاب می‌کند که زوجین به تعهدات ازدواج، از جمله تأمین نفقه، رعایت حقوق متقابل، و وفاداری پایبند باشند. نقض این تعهدات، مشروعیت ندارد و بر استحکام خانواده تأثیر منفی می‌گذارد (Mohammadgholiha et al., 2016).

قاعده عدالت (اعدلوا هو أقرب للتقوی)

عدالت یکی از اصول کلیدی در فقه اسلامی است که در روابط خانوادگی نیز کاربرد دارد. رعایت عدالت میان زوجین، فرزندان و

برخی آن را یک اصل ثابت و بنیادین و برخی دیگر آن را یک قاعده راهبردی وابسته به شرایط اجتماعی می‌دانند.

جایگاه استحکام خانواده در نظام حقوقی ایران

۱. قوانین و مقررات حقوقی مرتبط با استحکام خانواده در ایران
نظام حقوقی ایران با تأثیرپذیری از فقه اسلامی، اصول و قواعدی را برای حفظ و تقویت بنیان خانواده تدوین کرده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون مدنی، قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱) و سایر قوانین مرتبط، بر نقش کلیدی خانواده در جامعه تأکید دارند و مقررات متعددی را برای استحکام این نهاد پیش‌بینی کرده‌اند.

جدول ۴. بررسی مواد قانونی مرتبط با استحکام خانواده

قانون	ماده/اصل	محتوا و تأثیر بر استحکام خانواده
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	اصل ۱۰	تأکید بر حمایت دولت از نهاد خانواده به‌عنوان واحد بنیادی جامعه
قانون مدنی	ماده ۱۱۰۵	ریاست خانواده بر عهده مرد است، اما بر اساس حسن معاشرت و تأمین عدالت
قانون مدنی	ماده ۱۱۰۶	نفقه زن بر عهده شوهر است، مگر در موارد استثنایی
قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱)	ماده ۱۶	ایجاد مراکز مشاوره خانواده برای کاهش طلاق و تقویت بنیان خانواده
قانون مدنی	ماده ۱۱۳۳	امکان طلاق از سوی مرد، با رعایت حقوق زن و فرزندان
قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱)	ماده ۵۸	تأکید بر رسیدگی به دعاوی خانوادگی با اولویت مصلحت خانواده

ب) قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱)

ایجاد دادگاه‌های تخصصی خانواده

تسهیل در روند مشاوره و حل‌وفصل اختلافات زوجین قبل از طلاق

تقویت نقش مشاوران خانواده در فرایند رسیدگی به دعاوی خانوادگی

ج) برنامه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی و سیاست‌های کلی نظام (۱۳۹۶-۱۴۰۰)

تأکید بر اصلاح قوانین در جهت استحکام خانواده

توجه به نقش رسانه‌ها و آموزش در افزایش پایداری خانواده

نقاط قوت تحولات قانونی

✓ افزایش ضمانت اجرایی برای حمایت از زنان و کودکان

بررسی تحلیل فقهی استحکام خانواده نشان می‌دهد که "استحکام خانواده نه تنها یک اصل بنیادین است، بلکه به‌عنوان یک اصل قاعده‌ساز نیز عمل می‌کند. این بدان معناست که بسیاری از قواعد فقهی مانند لاضرر، عدالت و الزام، در راستای حمایت از خانواده تعریف شده و در استنباط احکام فقهی تأثیر می‌پذیرند." درحالی‌که آیات قرآن و روایات بر ضرورت حفظ بنیان خانواده به‌عنوان یک اصل کلی تأکید دارند، قواعد فقهی مانند لاضرر، عدالت و وفای به عقد نشان می‌دهند که در برخی شرایط، استثنائاتی در اجرای این اصل وجود دارد. دیدگاه فقها نیز در این زمینه متفاوت است؛

این قوانین نشان می‌دهند که استحکام خانواده به‌عنوان یک اولویت قانونی در ایران مورد توجه بوده و تلاش شده است با تدوین مقرراتی جامع، از فروپاشی نهاد خانواده جلوگیری شود (Safaei, 2023).

۲. بررسی تحولات قانون‌گذاری در حوزه حمایت از خانواده

در سال‌های اخیر، قوانین ایران دچار تحولات متعددی شده‌اند که عمدتاً با هدف تقویت بنیان خانواده، کاهش آمار طلاق و حمایت از حقوق زوجین و فرزندان بوده است. برخی از مهم‌ترین تحولات عبارتند از:

الف) اصلاحات قانون مدنی (سال ۱۳۸۱ و ۱۳۹۱)

افزایش حمایت‌های مالی از زنان پس از طلاق

الزام به ثبت نکاح موقت در موارد خاص

افزایش حمایت از حقوق فرزندان در حضانت و نفقه

✓ توجه به نقش مشاوره خانواده در کاهش اختلافات

✓ گسترش دادگاه‌های تخصصی خانواده برای رسیدگی سریع‌تر

به دعاوی

محدودیت‌ها و چالش‌های قوانین جدید

اجرای ناقص برخی اصلاحات، به‌ویژه در شهرهای کوچک

تداخل برخی مقررات جدید با احکام سنتی فقهی

کمبود منابع مالی و انسانی برای اجرای کامل برنامه‌های حمایتی

نقد و تحلیل چالش‌های قانونی در زمینه استحکام خانواده

۱. تعارض بین مقررات شرعی و مقتضیات اجتماعی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های موجود، تعارض بین برخی احکام

سنتی فقهی و نیازهای اجتماعی امروز است. برای مثال:

طلاق: ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، حق طلاق را در اختیار مرد قرار

داده، اما در مواردی مانند طلاق عاطفی و اختلافات شدید زوجین،

زنان برای جدایی با مشکلات قانونی و اجتماعی مواجه می‌شوند

(Mohammadgholiha et al., 2016).

نفقه و ریاست مرد بر خانواده: این مقررات، که در ماده ۱۱۰۵ و

۱۱۰۶ قانون مدنی آمده است، در مواردی با استقلال مالی زنان در

جامعه امروز تعارض پیدا می‌کند.

۲. ضعف در اجرای قوانین حمایتی

اگرچه قوانین متعددی برای حمایت از استحکام خانواده تصویب

شده‌اند، اما عدم اجرای صحیح این قوانین باعث شده است که

تأثیر واقعی آن‌ها در جامعه کاهش یابد. برخی مشکلات اجرایی

عبارتند از:

✓ نبود نظارت کافی بر مراکز مشاوره خانواده و عملکرد آن‌ها

✓ اطاله دادرسی در محاکم خانواده که موجب افزایش تنش میان

زوجین می‌شود

✓ ضعف در ضمانت اجرایی قوانین نفقه و مهریه که باعث

آسیب‌پذیری زنان پس از طلاق می‌شود (Safaei, 2023).

۳. فقدان سیاست‌های پیشگیرانه در جلوگیری از فروپاشی

خانواده

بیشتر قوانین فعلی بر کنترل آسیب‌ها پس از بروز اختلاف تمرکز

دارند و سیاست‌های پیشگیرانه، مانند آموزش مهارت‌های زندگی

زناشویی، نقش رسانه‌ها در ارتقای فرهنگ خانواده، و حمایت از

ازدواج پایدار به‌اندازه کافی مورد توجه قرار نگرفته‌اند

(Hekmatnia, 2020).

۴. تأثیر شرایط اقتصادی بر استحکام خانواده

مشکلات معیشتی، بیکاری و تورم باعث شده است که بسیاری از

جوانان از ازدواج منصرف شوند یا زوجین با فشارهای اقتصادی

شدید مواجه شوند. اگرچه برخی سیاست‌های حمایتی مانند وام

ازدواج تصویب شده است، اما این اقدامات کافی نیست و نیاز به

اصلاحات ساختاری در حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد وجود

دارد (Youri & Yaghouti, 2024).

۵. ناکارآمدی برخی مقررات در کاهش آمار طلاق

با وجود اصلاحات قانونی، نرخ طلاق در ایران همچنان در حال

افزایش است. طبق آمار رسمی مرکز ثبت احوال ایران، در سال

۱۴۰۰ بیش از یک‌سوم ازدواج‌ها منجر به طلاق شده است. این امر

نشان‌دهنده ناکافی بودن قوانین موجود برای جلوگیری از فروپاشی

خانواده است.

بررسی جایگاه استحکام خانواده در نظام حقوقی ایران نشان

می‌دهد که این مفهوم در قوانین مختلف مورد تأکید قرار گرفته

است، اما در برخی موارد، چالش‌های اجرایی و تعارضات با شرایط

اجتماعی جدید، مانع از تحقق کامل آن شده است. اصلاح قوانین

موجود، اجرای دقیق‌تر مقررات حمایتی، و توجه بیشتر به

سیاست‌های پیشگیرانه از جمله راهکارهایی است که می‌تواند به

تقویت نهاد خانواده در ایران کمک کند.

پیامدهای اصل یا قاعده بودن استحکام خانواده

۱. تأثیر اصل بودن استحکام خانواده بر سیاست‌های کلان حقوقی

در صورتی که استحکام خانواده به‌عنوان یک اصل بنیادین در نظام حقوقی شناخته شود، این موضوع تأثیرات گسترده‌ای بر سیاست‌گذاری‌های کلان حقوقی خواهد داشت. اصل بودن استحکام خانواده به این معناست که تمامی قوانین و مقررات مرتبط با خانواده، ازدواج، طلاق و حمایت‌های اجتماعی باید بر اساس این اصل تدوین شوند و هیچ قانونی نباید مغایر با آن تصویب شود.

مهم‌ترین تأثیرات اصل بودن استحکام خانواده بر سیاست‌های حقوقی:

الف) الزام قانون‌گذاران به تنظیم قوانین در راستای حمایت از خانواده

در صورتی که استحکام خانواده یک اصل بنیادین محسوب شود، تمامی اصلاحات قانونی باید با این اصل مطابقت داشته باشند و هیچ قانونی نباید موجب تزلزل نهاد خانواده شود (Safaei, 2023).

ب) تشدید نظارت بر اجرای قوانین حمایتی

قوه قضائیه و دستگاه‌های اجرایی موظف خواهند شد ضمانت‌های اجرایی قوی‌تری برای حمایت از خانواده و کاهش آسیب‌های اجتماعی مرتبط با طلاق پیش‌بینی کنند (Hekmatnia, 2020).

ج) اولویت حمایت‌های اقتصادی و اجتماعی از نهاد خانواده

در صورت پذیرش استحکام خانواده به‌عنوان یک اصل، دولت‌ها ملزم خواهند شد بودجه‌های مشخصی برای حمایت از خانواده، افزایش سطح رفاه اقتصادی زوجین و ارائه تسهیلات ازدواج و فرزندآوری اختصاص دهند (Mohammadgholiha et al., 2016).

د) محدودیت در تغییر قوانین مرتبط با خانواده

پذیرش استحکام خانواده به‌عنوان یک اصل حقوقی، می‌تواند اصلاح قوانین مربوط به طلاق، مهریه، نفقه و حضانت را محدود کند، زیرا هرگونه تغییر باید در راستای تقویت این اصل باشد. این امر می‌تواند انعطاف‌پذیری نظام حقوقی را کاهش دهد و برخی مشکلات اجرایی ایجاد کند (Youri & Yaghouti, 2024).

۲. نقش قاعده استحکام خانواده در تفسیر و استنباط احکام فقهی

پذیرش استحکام خانواده به‌عنوان یک اصل قاعده‌ساز موجب می‌شود که تفسیر و اجرای قواعد فقهی در راستای تحکیم بنیان خانواده قرار گیرد. این امر باعث می‌شود اجتهاد پویا در فقه خانواده بر مبنای حفظ و تقویت این نهاد انجام شود، پس فقها و حقوق‌دانان در استنباط احکام مرتبط با خانواده، آزادی عمل بیشتری خواهند داشت. این رویکرد باعث می‌شود که قوانین خانواده در تطابق با شرایط اجتماعی و فرهنگی متغیر، انعطاف‌پذیری بیشتری داشته باشند.

تأثیرات پذیرش استحکام خانواده به‌عنوان یک قاعده در فقه اسلامی:

الف) امکان اعمال استثنائات بر اساس مقتضیات زمان و مکان قواعد فقهی قابلیت تغییر و تفسیر بر اساس شرایط زمانه را دارند. پذیرش استحکام خانواده به‌عنوان یک قاعده، این امکان را به فقها می‌دهد که در موارد خاص، احکام را متناسب با نیازهای اجتماعی و فرهنگی جامعه تغییر دهند (Jawaheri, 1991).

ب) ایجاد انعطاف در قوانین ازدواج و طلاق

پذیرش استحکام خانواده به‌عنوان یک قاعده فقهی، می‌تواند راه را برای اصلاح قوانین سخت‌گیرانه مربوط به طلاق، حضانت و حقوق زوجین باز کند. برای مثال، برخی فقها بر اساس قاعده لاضرر معتقدند که زن نیز می‌تواند در شرایطی خاص، بدون نیاز به اجازه مرد، طلاق بگیرد (Safaei, 2023).

ج) توسعه اجتهاد پویا در حوزه حقوق خانواده

فقهایی که از رویکرد قاعده‌گرایانه حمایت می‌کنند، بر این باورند که احکام مرتبط با خانواده باید بر اساس شرایط اجتماعی قابل تفسیر و تغییر باشند. برای مثال، تغییر نقش‌های جنسیتی در جوامع امروزی می‌تواند در استنباط برخی از احکام مانند نفقه و ریاست مرد بر خانواده تأثیر بگذارد (Mohammadgholiha et al., 2016).

د) افزایش امکان اجتهاد در تفسیر قواعد حمایتی از خانواده پذیرش استحکام خانواده به‌عنوان یک قاعده، باعث می‌شود که فقها بتوانند قوانین حمایتی جدیدی بر اساس مقتضیات زمانه وضع کنند، در حالی که در صورت اصل بودن استحکام خانواده، چنین تغییری محدود خواهد شد (Youri & Yaghouti, 2024).

جدول ۵. مقایسه پیامدهای اصل یا قاعده بودن استحکام خانواده در فقه اسلامی

شاخص	استحکام خانواده به‌عنوان اصل	استحکام خانواده به‌عنوان قاعده
تأثیر بر قانون‌گذاری	قوانین باید مطابق با این اصل تنظیم شوند و تغییرات محدود خواهند بود.	قوانین می‌توانند بر اساس مقتضیات زمان تغییر کنند.
انعطاف در فقه اسلامی	تفاسیر محدود و احکام ثابت باقی می‌مانند.	امکان استنباط پویا و انعطاف در احکام فقهی وجود دارد.
حمایت از خانواده	حمایت‌های دولتی الزام‌آور خواهند شد.	حمایت‌های خانوادگی مشروط به شرایط اجتماعی خواهند بود.
نظارت بر اجرای قوانین	نهادهای اجرایی موظف به اجرای قوانین خانواده بدون استثناء هستند.	امکان استثنائات در اجرای قوانین وجود دارد.

۳. بررسی آثار حقوقی و اجتماعی پذیرش استحکام خانواده

به‌عنوان یک اصل یا قاعده

۱. تأثیر بر سیاست‌های اجتماعی

در صورتی که استحکام خانواده به‌عنوان یک اصل بنیادین شناخته شود، برنامه‌های فرهنگی و آموزشی جامعه باید در راستای حفظ و تقویت این اصل تدوین شوند.

اگر استحکام خانواده به‌عنوان یک قاعده فقهی مورد پذیرش باشد، سیاست‌های اجتماعی انعطاف بیشتری خواهند داشت و به نیازهای متغیر جامعه پاسخ بهتری خواهند داد (Hekmatnia, 2020).

۲. تأثیر بر حقوق زنان و مردان

در صورت اصل بودن استحکام خانواده، حقوق و تکالیف زوجین بر اساس اصول ثابت تعیین خواهند شد و امکان تغییر این حقوق بسیار محدود خواهد بود.

اما در صورت قاعده بودن استحکام خانواده، امکان تغییر برخی حقوق مانند حق طلاق، نفقه و حضانت فرزندان بر اساس نیازهای اجتماعی وجود خواهد داشت (Safaei, 2023).

۳. تأثیر بر نرخ طلاق و استحکام خانواده

اصل بودن استحکام خانواده می‌تواند منجر به سخت‌تر شدن فرایند طلاق شود، اما در برخی موارد، مانع از حل مشکلات خانوادگی شده و افزایش طلاق‌های عاطفی را در پی خواهد داشت.

در مقابل، قاعده بودن استحکام خانواده امکان انعطاف در مقررات طلاق را فراهم می‌کند، اما ممکن است باعث افزایش نرخ طلاق شود (Youri & Yaghouti, 2024).

تحلیل پیامدهای اصل یا قاعده بودن استحکام خانواده نشان می‌دهد که هر دو رویکرد دارای مزایا و چالش‌های خاص خود هستند. پذیرش استحکام خانواده به‌عنوان یک اصل حقوقی، ثبات قوانین را تضمین می‌کند، اما انعطاف‌پذیری در مواجهه با تغییرات اجتماعی را کاهش می‌دهد. در مقابل، پذیرش آن به‌عنوان یک قاعده فقهی، امکان تطبیق احکام با نیازهای روز را فراهم می‌آورد، اما ممکن است نهاد خانواده را در برابر تغییرات بیش‌ازحد آسیب‌پذیر کند.

راهکارهای تقویت استحکام خانواده در نظام حقوقی و اجتماعی

۱. پیشنهادهای فقهی برای اصلاح برداشت‌های استنباطی در حوزه خانواده

فقه اسلامی به دلیل پویایی و ظرفیت بالای استنباط، همواره توانسته است در مواجهه با تحولات اجتماعی پاسخ‌گو باشد. با این حال، برخی برداشت‌های سنتی از احکام خانواده ممکن است نیازمند بازنگری فقهی باشند تا استحکام خانواده در شرایط معاصر بهتر تضمین شود. در این راستا، می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه کرد:

الف) تفسیر نوین از قاعده "لاضرر" در مسائل خانوادگی

با توجه به اینکه قاعده لاضرر یکی از مهم‌ترین اصول فقهی در حوزه خانواده است، می‌توان از این قاعده در جهت کاهش آسیب‌های ناشی از اختلافات زوجین و حمایت از حقوق زنان و کودکان استفاده کرد (Jawaheri, 1991).

پیشنهاد اجرایی: ارائه تفاسیر جدید از قاعده لاضرر در زمینه‌هایی مانند نفقه، حق طلاق و حضانت فرزندان به گونه‌ای که مانع تزلزل خانواده شود.

ب) توسعه اجتهاد پویا در مباحث حقوق خانواده

استفاده از اصول فقهی مانند قاعده عدالت و قاعده وفای به عقد در جهت ایجاد تعادل در روابط زوجین می‌تواند استحکام خانواده را تقویت کند (Safaei, 2023).

پیشنهاد اجرایی: تشکیل کمیته‌های فقهی تخصصی برای بررسی و اصلاح احکام خانواده در مواجهه با مسائل جدید مانند اشتغال زنان، حقوق اقتصادی زوجین و تغییرات سبک زندگی مدرن.

ج) بررسی مجدد مسئله طلاق و ارائه شرایط جدید برای کاهش آن

برخی فتاوی فقهی می‌توانند شرایط سخت‌گیرانه‌تری برای طلاق‌های غیرضروری تعیین کنند تا از افزایش نرخ طلاق جلوگیری شود.

پیشنهاد اجرایی: بررسی شرایطی که در آن طلاق توافقی بدون دلیل موجه محدود شود و مشاوره‌های قبل از طلاق الزامی گردد (Mohammadgholiha et al., 2016).

۲. اصلاحات قانونی برای حمایت مؤثر از استحکام خانواده

الف) تقویت ضمانت‌های اجرایی قوانین حمایتی از خانواده
بسیاری از قوانین موجود درباره حمایت از خانواده، ضمانت اجرایی کافی ندارند، به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند پرداخت نفقه، مهریه و حمایت از زنان سرپرست خانوار.

پیشنهاد اجرایی: ایجاد دادگاه‌های ویژه خانواده با قضات متخصص و تسریع در رسیدگی به پرونده‌های مرتبط با خانواده (Youri & Yaghouti, 2024).

ب) اصلاح قوانین مرتبط با نفقه و حمایت مالی از خانواده
یکی از مهم‌ترین چالش‌های حقوق خانواده، پرداخت نفقه و تأمین مالی خانواده است که در شرایط اقتصادی کنونی مشکلاتی ایجاد کرده است.

پیشنهاد اجرایی: بازنگری در مواد ۱۱۰۶ تا ۱۱۱۰ قانون مدنی برای افزایش انعطاف‌پذیری در تعیین نفقه و امکان تعهدات مالی متقابل زوجین در شرایط خاص (Safaei, 2023).

ج) بازنگری در قوانین حضانت و سرپرستی کودکان

قوانین حضانت فعلی در ایران در برخی موارد باعث کاهش ارتباط عاطفی میان فرزند و یکی از والدین می‌شود.

پیشنهاد اجرایی: ایجاد الگوی جدید حضانت اشتراکی که در آن هر دو والدین در تربیت و حمایت عاطفی از فرزند نقش برابر داشته باشند (Hekmatnia, 2020).

د) تدوین قوانینی برای کاهش نرخ طلاق

با توجه به افزایش طلاق، باید تدابیری قانونی برای کاهش این پدیده اتخاذ شود.

پیشنهاد اجرایی: اصلاح ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی و سخت‌تر کردن فرایند طلاق‌های عجولانه از طریق الزام به مشاوره‌های چندمرحله‌ای (Mohammadgholiha et al., 2016).

ه) حمایت از اشتغال زنان در چارچوب استحکام خانواده
اشتغال زنان یکی از مسائل مهم اجتماعی است که نیازمند توازن بین حقوق شغلی و استحکام خانواده است.

پیشنهاد اجرایی: اصلاح قوانین کار در جهت ایجاد تسهیلات ویژه برای مادران شاغل، مانند مرخصی زایمان طولانی‌تر و حمایت‌های مالی از مادران شاغل (Youri & Yaghouti, 2024).

۳. راهکارهای فرهنگی و اجتماعی برای تحکیم بنیان خانواده
الف) آموزش مهارت‌های زندگی زناشویی و مشاوره‌های قبل و بعد از ازدواج

پیشنهاد اجرایی: طراحی برنامه‌های آموزشی در مدارس و دانشگاه‌ها برای افزایش آگاهی زوجین از مهارت‌های ارتباطی و مدیریت تعارضات خانوادگی (Safaei, 2023).

ب) نقش رسانه‌ها در تقویت فرهنگ خانواده‌محور
رسانه‌ها می‌توانند با ارائه الگوهای صحیح زندگی خانوادگی، فرهنگ استحکام خانواده را ترویج دهند.

پیشنهاد اجرایی: محدود کردن نمایش سبک زندگی فردگرایانه در رسانه‌های داخلی و تشویق به تولید برنامه‌هایی که روابط سالم خانوادگی را نمایش می‌دهند (Hekmatnia, 2020).

ج) حمایت از نهادهای اجتماعی و خیریه‌ها برای تقویت خانواده‌ها

نهادهای اجتماعی و خیریه‌ها می‌توانند با ارائه خدمات مشاوره‌ای و حمایت مالی از خانواده‌های نیازمند، نقش مهمی در تحکیم خانواده ایفا کنند.

پیشنهاد اجرایی: ایجاد صندوق‌های حمایتی برای خانواده‌های در معرض فروپاشی و گسترش مراکز مشاوره خانواده در سطح کشور (Youri & Yaghouti, 2024).

د) افزایش سیاست‌های تشویقی برای ازدواج و فرزندآوری
کاهش آمار ازدواج و افزایش سن ازدواج، یکی از چالش‌های مهم جامعه است.

پیشنهاد اجرایی: ارائه وام‌های ازدواج کم‌بهره، تسهیلات مسکن برای زوج‌های جوان و تشویق‌های مالی برای فرزندآوری (Mohammadgholiha et al., 2016).

تحلیل راهکارهای تقویت استحکام خانواده نشان می‌دهد که باید یک رویکرد جامع فقهی، حقوقی و اجتماعی برای حمایت از نهاد خانواده اتخاذ شود. اصلاح برداشت‌های فقهی، به‌روزرسانی قوانین خانواده و تقویت سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی، می‌توانند موجب افزایش پایداری نهاد خانواده و کاهش آسیب‌های اجتماعی شوند.

نتیجه‌گیری

این پژوهش به بررسی جایگاه استحکام خانواده در نظام فقهی و حقوقی ایران پرداخته و تلاش کرده است تا به این پرسش پاسخ دهد که آیا استحکام خانواده به‌عنوان یک اصل بنیادین در نظام فقهی و حقوقی شناخته می‌شود یا صرفاً یک قاعده راهبردی است که بسته به شرایط اجتماعی قابل تفسیر و تغییر است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر دو دیدگاه درباره استحکام خانواده قابل دفاع هستند و پذیرش هر یک، تأثیرات مهمی بر سیاست‌گذاری‌های حقوقی، اجتماعی و فرهنگی خواهد داشت.

اگر استحکام خانواده یک اصل باشد:

تمامی قوانین و مقررات باید بر پایه آن تنظیم شوند.

اصلاحات قانونی نباید موجب تزلزل در بنیان خانواده شود.

حمایت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از خانواده به‌عنوان یک وظیفه حاکمیتی در نظر گرفته می‌شود.

اگر استحکام خانواده یک قاعده باشد:

امکان تغییر و تطبیق احکام فقهی و قوانین بر اساس نیازهای اجتماعی فراهم خواهد بود.

مطالعه تطبیقی بین نظام حقوقی ایران و سایر کشورهای اسلامی از یک سو، و نظام‌های حقوقی سکولار مانند فرانسه و ایالات متحده از سوی دیگر، می‌تواند به بهبود سیاست‌گذاری‌های حقوقی در ایران کمک کند.

ب) تأثیر تحولات اجتماعی و فرهنگی بر جایگاه استحکام خانواده

بررسی این موضوع که چگونه تغییرات فرهنگی و اجتماعی، مانند افزایش اشتغال زنان، تغییر سبک زندگی و کاهش نرخ ازدواج، بر استحکام خانواده تأثیر گذاشته است.

ج) نقش اجتهاد پویا در تقویت جایگاه استحکام خانواده

بررسی این که چگونه فقه اسلامی می‌تواند با استفاده از ابزارهای اجتهادی، راهکارهای جدیدی برای حفظ استحکام خانواده ارائه دهد.

د) تحلیل اقتصادی و حقوقی حمایت‌های مالی از خانواده

ارزیابی این که سیاست‌های حمایتی اقتصادی دولت‌ها، مانند تسهیلات ازدواج، بیمه خانواده و حمایت از زنان سرپرست خانوار، چگونه بر استحکام خانواده تأثیر می‌گذارند.

ه) مطالعه اثرات قوانین جدید بر نرخ طلاق و پایداری خانواده

بررسی تأثیر اصلاحات اخیر در قوانین خانواده، مانند الزام به مشاوره‌های قبل از طلاق، حضانت اشتراکی و کاهش سخت‌گیری در طلاق زنان، بر میزان طلاق و تحکیم روابط خانوادگی.

در مجموع، این پژوهش نشان داد که استحکام خانواده مفهومی چندبعدی است که هم دارای جنبه‌های فقهی و حقوقی و هم دارای ابعاد اجتماعی و اقتصادی است. پذیرش استحکام خانواده به عنوان یک اصل بنیادین، تضمین‌کننده ثبات و امنیت اجتماعی است، اما انعطاف‌پذیری در اجرای آن به عنوان یک قاعده، امکان تطبیق با شرایط اجتماعی را فراهم می‌کند. بنابراین، سیاست‌گذاری‌های حقوقی و اجتماعی باید به گونه‌ای تنظیم شوند که هم استحکام

سیاست‌های حقوقی و اجتماعی انعطاف بیشتری خواهند داشت. اجتهاد پویا در حوزه حقوق خانواده تقویت می‌شود و امکان اصلاح برخی احکام سنتی فراهم می‌گردد.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که استحکام خانواده در فقه اسلامی، ترکیبی از یک اصل و یک قاعده است. "بنابراین، می‌توان گفت که استحکام خانواده یک اصل قاعده‌ساز است که به عنوان یک مبنای ثابت در فقه اسلامی عمل کرده و در عین حال، قابلیت تطبیق با شرایط اجتماعی و تغییرات حقوقی را دارد." به این معنا که در سطح نظری و مبنایی، استحکام خانواده به عنوان یک اصل اساسی مطرح است، اما در سطح اجرایی و حقوقی، می‌توان آن را به عنوان یک قاعده فقهی و حقوقی در نظر گرفت که بسته به مقتضیات اجتماعی، امکان تغییر و تفسیر دارد.

در فقه اسلامی: آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم‌السلام) تأکید دارند که خانواده باید بر پایه مودت، رحمت و عدالت استوار باشد. بر این اساس، بسیاری از فقها استحکام خانواده را یک اصل شرعی بنیادین می‌دانند که بر تمامی احکام خانواده حاکم است (Jawaheri, 1991).

در حقوق ایران: قوانین مرتبط با خانواده، مانند قانون مدنی و قانون حمایت خانواده (۱۳۹۱)، نشان می‌دهند که استحکام خانواده بیشتر به عنوان یک قاعده حقوقی در نظر گرفته شده که در برخی موارد قابلیت تفسیر و تغییر دارد (Safaei, 2023).

در نتیجه، استحکام خانواده یک اصل بنیادین است، اما در اجرای آن می‌توان از قواعد فقهی راهبردی استفاده کرد تا امکان انطباق آن با شرایط اجتماعی وجود داشته باشد.

با توجه به اهمیت موضوع استحکام خانواده، می‌توان پیشنهاد‌های زیر را برای تحقیقات آینده مطرح کرد:

الف) بررسی تطبیقی استحکام خانواده در نظام‌های حقوقی اسلامی و غربی

خانواده حفظ شود و هم حقوق و نیازهای فردی اعضای خانواده تأمین گردد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The conceptual foundation of family solidity in Islamic jurisprudence and Iranian legal systems has long been a subject of scholarly inquiry, particularly regarding its classification as either a fundamental principle or a strategic rule. The present study critically explores this duality by addressing whether family solidity serves as a universal normative basis underlying Islamic legal thought or if it operates merely as a contextual guideline responsive to societal changes. The inquiry begins by defining the concept of "family solidity" both linguistically and juridically, emphasizing its grounding in notions of stability, endurance, and mutual responsibility. Drawing upon Islamic primary sources such as the Qur'an and hadiths, the research underlines how family relationships are structured around values of compassion, justice, and loyalty (Ansarian, 2012; Makarem Shirazi, 2009). These normative elements are contrasted with the positivist articulations of Iranian civil and family law, including the 2012 Family Protection Law, which institutionalizes principles like mutual rights, marital obligations, and state intervention for family preservation (Safaei, 2023). Against the backdrop of rising divorce rates, shifting gender roles, and socio-economic pressures, the study underscores the urgency of reevaluating whether family solidity is a timeless command or a reformable guideline suited to contemporary exigencies (Mohammadgholiha et al., 2016; Youri & Yaghouti, 2024).

In examining the jurisprudential structure surrounding family solidity, the research methodically analyzes both classical and modern Islamic legal frameworks, outlining

how precepts such as "la darar" (no harm), "wafa bi al-aqd" (fulfillment of contractual obligations), and "adl" (justice) collectively support the family institution (Hekmatnia, 2020; Jawaheri, 1991). These principles serve as both constraints and enablers, conditioning personal freedom with ethical obligations to others, especially within the familial context. Importantly, the study juxtaposes the Islamic understanding with secular legal models found in Western jurisdictions, where individual rights often eclipse communal obligations. For instance, family law in France and the U.S. emphasizes gender equality and the minimization of state interference, reflecting a liberal ethos quite distinct from Islamic communitarianism (Youri & Yaghouti, 2024). Tables included in the study illustrate this divergence by comparing legal concepts such as custody, divorce mechanisms, and spousal duties across systems. Ultimately, Islamic jurisprudence envisions family solidity not merely as a legal outcome but as a religious imperative shaped by scriptural directives and interpreted through the lens of social welfare. Through a detailed examination of primary legal texts and their doctrinal commentaries, the study explores the scholarly divergence on whether family solidity constitutes a principle (asl) or a rule (qa'ida). Proponents of the principle-based approach argue that Quranic verses like Surah al-Rum (30:21) and Surah al-Baqarah (2:233) establish family solidity as an immutable legal ideal. They view this concept as the linchpin of Islamic social organization, necessitating that all marital and custodial laws orbit around its preservation (Kulayni, 1986; Makarem Shirazi, 2009). Conversely, jurists who favor a rule-based classification regard family solidity as a guiding norm that

facilitates flexible jurisprudential interpretation in response to changing circumstances (Mohammadgholiha et al., 2016). This analytical distinction has major implications: while a principle demands legal absolutism, a rule allows juristic adaptability. The research stresses that this tension reflects broader debates in Islamic legal theory over the rigidity or elasticity of moral-legal norms. It further suggests that while textual sources provide strong foundational support for family solidity, their operationalization in legal rulings requires constant reevaluation, especially in light of shifting cultural norms and evolving family structures.

The article proceeds to evaluate how Iranian law addresses the concept of family solidity through its various legal instruments. The Constitution, the Civil Code, and the Family Protection Law all reference the centrality of the family, yet they differ in how they enforce and prioritize its stability (Safaei, 2023). Provisions on spousal authority, financial maintenance (nafaqa), custody, and divorce show both Islamic continuity and legislative innovation. For example, Article 10 of the Constitution underscores the state's duty to protect the family, while Article 1105 of the Civil Code assigns leadership of the family to the husband—a provision often criticized for perpetuating gender inequality. Meanwhile, recent legislative reforms have introduced measures such as mandatory counseling and the establishment of family courts aimed at reducing the divorce rate and facilitating conflict resolution. However, the article notes a persistent gap between legal theory and practice, attributing it to institutional inefficiencies, lack of enforcement mechanisms, and limited public access to legal support systems (Youri & Yaghouti, 2024). In particular, the study criticizes the ineffective implementation of preventive legal frameworks that aim to support marital

resilience before relationships reach crisis points.

Delving into the sociopolitical ramifications of classifying family solidity as either a principle or a rule, the study considers its effect on legislative, executive, and judicial policymaking. When treated as a principle, family solidity becomes the normative cornerstone of all family-related legislation, restricting the legislature from enacting reforms that could potentially destabilize the institution. This approach, however, risks fossilizing the law and rendering it unresponsive to modern-day realities (Mohammadgholiha et al., 2016). On the other hand, treating it as a rule allows for interpretive fluidity, enabling the legal system to adapt to evolving societal configurations without abandoning core values (Jawaheri, 1991). This distinction has profound effects on women's rights, marital autonomy, and child welfare. For instance, rigid adherence to principle-based interpretations may inhibit legal reforms aimed at equitable divorce procedures or shared custody models, whereas a rule-based orientation may permit such adaptations without violating foundational legal ethics. The study thus frames the dual identity of family solidity as both a constraint and a catalyst for progressive legal thought, urging jurists and lawmakers to balance fidelity to tradition with responsiveness to social change.

The final analytical thrust of the study lies in its prescriptive strategies for enhancing family solidity in Iran's legal and cultural landscape. On the jurisprudential front, the article advocates for dynamic *ijtihad* (independent legal reasoning) to reinterpret foundational principles like "*la darar*" and "*wafa bi al-aqd*" in light of modern familial challenges such as economic instability, digital intimacy, and role dualities (Hekmatnia, 2020; Safaei, 2023). Legally, it recommends the establishment of specialized family courts staffed with trained

mediators and psychologists to supplement judicial decision-making. Cultural interventions are also emphasized, including premarital counseling, marital education in schools, and state-sponsored campaigns promoting shared domestic responsibilities. Furthermore, the study highlights the need to bridge legal formalism with socio-economic realism, such as modifying alimony laws, easing procedural burdens in custody disputes, and subsidizing family-centered welfare programs (Youri & Yaghouti, 2024). These combined strategies underscore the paper's argument that family solidity must be reimagined not as a static doctrine but as a living, adaptable framework for legal and social sustainability.

In conclusion, this study asserts that family solidity in Islamic jurisprudence and Iranian law is best understood as a principle-based rule—a norm that is both doctrinally central and pragmatically flexible. This hybrid designation allows it to function as a jurisprudential anchor while accommodating the dynamism of societal evolution. The analysis demonstrates that while traditional texts and legal codes have enshrined family stability as a moral and legal imperative, contemporary exigencies necessitate a more fluid interpretive stance. A dual-framework approach enables both legal continuity and legislative innovation, ensuring that the institution of the family remains robust yet responsive. As such, family solidity stands not as a relic of past religio-legal traditions but as a vital, evolving construct capable of guiding ethical governance and inclusive legal reform.

References

- Ansarian, F. (2012). Family Protection Law.
 Farahzadi, A. A., & Ebrahimi, J. (2019). Re-examining the Derivation of Family Rulings Considering the Principle of Family Stability. *Quarterly Journal of Jurisprudential Studies*(86), 79-105.
 Hekmatnia, M. (2020). *Women's Rights and Family*. Institute for Culture and Islamic Thought.

- Jawaheri, M. H. (1991). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharaye al-Islam* (Vol. 31). Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
 Kulayni, M. i. Y. q. (1986). *Al-Kafi* (Vol. 5). Dar al-Hadith.
 Makarem Shirazi, N. (2009). *Family Rulings in the Light of Islamic Jurisprudence*. Imam Ali ibn Abi Talib (AS) Publications.
 Mohammadgholiha, F., MahdaviKani, S., & Shokri, F. (2016). *The Principle of Family Strengthening and the Capacity of Legal Science in Achieving It*
 Safaei, S. H. (2023). *A Brief Overview of Family Law*. Mizan Legal Foundation.
 Youri, Z., & Yaghouti, E. (2024). Principles Governing Family Health and Stability from the Perspective of Jurisprudence and Positive Law. *Quarterly Journal of Legal Studies*(17), 19-38.